متن بیانات

حضرت استاد جاودان مد ظلّه العالی

در گردهمایی بزرگ طلاب و دانشجویان جهت احیای امر به معروف و نهی از منکر

شنبه، 24 تیر 91

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و الصلوة و السلام علی سیدنا و نبینا خاتم الانبیا و المرسلین ابی القاسم محمد و علی آله الطیبین الطاهرین المعصومین سیما بقیه الله فی الارضین ارواحنا و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء و لعنة الله علی اعدائهم اجمعین الی یوم الدین

ببخشید، مثل این که مدتی است این جا تشریف دارید. من دیر خبر شدم، ببخشید.

یک جریانی را مطلع هستید در قم اتفاق افتاده است نظیر کاری که شما می خواهید انجام بدهید، قاعدتا کمی مطلع هستید. تجربیاتی را ما آنجا شنیده ایم. بنده آنجا هیچ کاره ام. اگر عرض کنم که هیچ ربطی چیزی ندارم ...

یک تجربه این بود که آنجا کسی رئیس نیست. بنابراین اینجا هم در جمع شما کسی رئیس نیست، البته اگر بنا شد که یک کسی را اگر اعلام بکنند هست کسی که به عنوان نفر اول کتک بخورد. فحش بشنود، بد بشنود. آن دوستانمان می خواستند مصاحبه کنند و بیاورندشان تلویزیون اصلا نپذیرفتند. بله اگر یک چیزی سختی، بی خوابی ای ... عرض کردم کسی هست. این جور آدمی را ما داریم. انشا الله در جمع شما هم یک همچنین کسی باشد که بتواند. آب و نان نشود. وقتی آب و نان نشد، محض ... بود آن وقت احتمال این که یک ذره ای خلوصی و قصد قربتی باشد امکانش پیدا می شود. امیدوارم که چنین باشد.

از رنگ سیاسی و رسمی کل جمع شون به دور می ماند. وقتی می دانیم که جایی نمی نویسند که در موسسه امر به معروف نهی از منکر بوده است.نه ما این ها را نداریم. این ها را عرض می کنم که خطر کم تر بشود.

به دوستانتان هم عرض کردم که اهمیت این کار برای شخص شماست که آن را هم در هیج ترازویی نمی شود گذاشت. این کار مثل کار یک آدم جدی در سیر سلوک است(همچنین آدمی را شما ها ندیده اید ) که دارد خیلی جدی روی خودش کار می کند که خودش را اصلاح بکند،. اگر بگویند بیشتر شما باور کنید که بیشتر. یک کار سیر وسلوکی روی خودش انجام می دهد، برای خودش. به جامعه اصلا کار نداریم، خارج اصلا مهم نیست. برای حرفی که می خواهم بزنم لفظ ندارم، در حد معجزه برای خودش انجام می دهد. در اصلاح خودش. کاری در حد معجزه برای خودم می کنم. این را با هیچ چیزی مقایسه نکنید. در روایت ثواب هایی گفته شده است که حیرت آور است. جهادر در برابر مثلا ... . خیلی حرف است. اگر انسان منظم، بدون اشکال شخصی، طبیعی است ما ها عیب داریم. انسانی که ساخته نشده است کار که از او سر می زند به صورت طبیعی درست از او در نمی آید. اگر از این آدم یک کار خوبی در تمام طول عمرش در بیاید و آن هم باید عنایتی شامل حال او شده باشد که این کار از این آدم سالم در بیاید که بتواند مقبول واقع شود وگرنه هیچ.

تاثیری در ساختمان شخصیت آدمی می کند، در حد یک معجزه است. ریاضتی که یک مرتاض می کشد یا یک اهل سلوک برای اصلاح خودش انجام می دهد، این کار روی دست همه آنها است. خیلی فوق العاده است.در ذهن من این جوری است.یک وقتی است که من با کلک آمده ام که هیچی اصلا مرخص، اما اگر نه طبیعی آمده ام یک عرقی یک علقه ایمانی ترسی از خدا علت شده باشد می تواند در ساختن شخصیت آدمی فوق العاده تاثیر گذار باشد.

تقریبا شاید بتوانیم این حرف را بزنیم که تمام صفاتی که ما داریم به درخت هایی که من یک وقتی دیدم. درختی بود که هفت تنه و یک ریشه داشت. فرض که می توان کرد. انسان می تواند فرض کند که تنه اصلی را قطع کرده باشند و شاخه هایی که از اطراف بیرون آمده اند تبدیل شده باشد به تنه های اصلی درخت. صفات بد آدمی مثل درختی بود که من دیده بودم. شما فرضش را بکنید. صفات بد آدمی این جوری هستند. بخل و تکبر و عجب و ریا و .. همه یک ریشه دارند. می توان فرض کرد. دلایلی هم وجود دارد مثلا در حدیثی سه صفت بدی را شمرده بودند و گفته بودند که از فلان اعتقاد ریشه گرفته است. یادم رفته است. این را در ذهنیت داشتم و دلیلم این بود که قرآن کریم می گوید « وَ مَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُون‏». هر کس از حرص نجات پیدا کند اولئک هم المفلحون چه جور می شود. من از حرص نجات پیدا کردم بخل را چه کار کنم ترس را چه کار کنم. شاید دلیل این باشد که این ها همه یک ریشه دارند که اگر برود همه برطرف شده اند. اگر یک صفت خوب در انسان بارور بشود و رشد بکند ... . در مورد سخاوت گفته اند که چیزهای فوق العاده ای روایتش دارد. این سخاوت است در طرف دیگر شجاعت است. باز یک ریشه است هفت تنه از آن بیرون آمده است.

اگر ما این کار [امر به معروف و نهی از منکر] را [انجام دادیم]خیلی جدی و سریع می تواند صفات خوبی را در انسان رشد بدهد. اگر حوصله بکنید و از میدان در نروید. حالا زن گرفته ام نروم در خانه قایم بشوم.کار پیدا کردم نروم. یک مدتی بایستم. اصلاح صفات چیزهای غریبی است. در شرح احوال آقای حق شناس نوشته ام که یک شب گفتند با شادمانی که من دیشب یک زنجیر پاره کردم. شادمانی که من دیگر ایشان را آنجور ندیدم. بعد از چند سال. اگر مقدماتش را بدانیم که این آدم مثلا سی سال دارد کار می کند، در مثلا 50 سالگی نتیجه اش شده است زنجیر پاره کردن. اگر مداومت باشد خودش خراب نکند و به دلایل دیگر شیطان نیاید خرابش کند، وقت هایی دیگر عرض کرده ام. یک وقتی عرض کردم که شیطان هیچ رحمی ندارد. مثال پنبه و آتش را عرض می کردم که اگر گیر بیاورد سوزانده است. فرض ندارد که نسوزاند. اگر خدا مرحمت کند و انسان با نیت درست که بیاید خدا هم حفظ می کند.

کاری که این جا آدم می کند خیلی زودتر به ثمر می رسد. یک مثال عرض می کنم. یک مقدار مثال بد است. کسانی که به جبهه رفته بودند می گفتند گاهی هم سرباز می آمد. سرباز مجبور بیاید. این ها هفته اول یا 10 روز اول می ترسیدند. مثلا لباسشان تا چند روز خیس بود. بعد چی می شود؟ حل می شود، ترس می ریزد. انسان وقتی داخل کاری بشود، [حل می شود]

این[امر به معروف و نهی از منکر] از ریاضت های اهل سیر و سلوک شاید بالاتر باشد.

اگر خدا بخواهد کاری ثمر بدهد، ثمر در خارج عرض کردم هیچ کاری نداریم، این ثمری که برای خود شما دارد، بهترین هدیه ای است و بالاترین کاری است که انسان می تواند برای خودش بکند. در باب معصیت گفته اند که من [که برای خودم که عزیز ترین کس خودم هستم] ندیدم کسی این جور به عزیزترین کسش این جور ضربه بزند. این درست برعکسش می شود که کسی نیست که اینقدر کار مفید برای خودش کرده باشد. شما هر شب بدون تعطیل نماز شب بخوانی و در نماز هم این کار ها را کرده باشی این خیلی قوی است در روایت هم نگاه کنید نشان دهنده این چیزی است که خدمتتون عرض کردم. شما چشمت را ببند و این کار را شروع کن چون عیب های من باید اصلاح شود.

کسی که این راه آمده است و می خواهد این کار را ادامه بدهد می خواهد یک کار بزرگ سیر و سلوکی را انجام بدهد. اگر حوصله کند، خسته نشود از میدون در نرود، تلخی ترسهای اولیه را بتواند تحمل کند که بریزد، مثل اون بچه سربازها که عرض کردیم، ترسشان بعد 10 – 15 روز می ریخت ترسهای اولیه اش را بگذراند بعد به یک باغستان خرمی می رسد که با هیچ چیزی قابل مقایسه نیست.

به دوستان عرض کردم که حرف هایی که دوستان از حرف های رهبر بزرگوار جمع کرده اند، تبدیل به مسئله بکنند. مثلا 50 مسئله در بیاید. همه آن طرح هایی هم که گفتند چیزهای خوبی بود، دور هم جمع بشویم، اشکالاتمان را به صورت اعترافی که به یک کشیش می کنند به رفقا بگوییم.من همچنین کاری کردم و به نظرم خراب کردم و ... رفقا هم اصلاح کنند و مثلا بگویند که نه این کار تو درست بود و خوب بود و اگر هم تایید کردند که مشکل داشت، راه حل می گویند. خسته نشویم که اشتباهی پیش آمد. توانستیم جبران می کنیم و اگر هم نشد می گوییم خدایا چیکار کنیم ما هستیم و همه این ضعفها.

می شود که انسان همه ضعفهایش برطرف بشود. باور کنید. می تواند به جایی برسد که اشتباه نکند. نه این که گناه نکند، اشتباه نکند! نمی توانم توضیحش را عرض کنم. آدم معمولی اگر عنایت خدا شامل بشود. مثال هایش در ذهنم هست ولی نمی توانم عرض کنم. اگر یک نفر در عالم باشد خوش به حالش است که این جوری است.

این قدم بزرگی در این راه است. صفاتی است که خدای متعال خیلی دوست دارد. یکی سخاوت را خدای متعال خیلی دوست دارد. دیگری چیزی است که این کار نتیجه می دهد.شجاعت می آورد، ترس از دل آدم می رود، می شود بگویند این را با این هزاران هزاران گناهی که دارد او را ببرید بهشت چون امر به معروف نهی از منکر می کرده است، دیگر از غیر من نمی ترسیده است.

من در خدمتم ولی سواد و اطلاع و ... من خیلی اندک است. سوالی دارید بپرسید که اگر عقلم برسد و اندازه سوادم باشد [جواب بدهم]

**سوال: ملاک چی است که این که گناه رخ ندهد، چه کار باید انجام شود؟**

با بچه های قم مشورت کنید چون این راه را رفته اند. همین مسئله خواست شما را رفته اند.

**سوال : اثرات [پس از نگاه ها]را چگونه از بین ببریم؟**

ما که کاری نداریم. اگر رد شدیم و چشممان افتاد می گوییم و می رویم. من که این ور آن ور را نگاه نمی کنم. [نگاه کردن با قصد] شرعا جایز نیست. ما که تربیت کافی نداریم چشممان می افتد. ولی [به صورت عادی]چشم می افتد که اگر افتاد در این صورت می گویم. آقای پشت سری هم می گوید. گفتیم که الان چون با این بنیه نمی توان در خیابانی [بزرگ] راه افتاد که نمی توان جمع کرد. به صورت گروهی می رویم. من که چشمم افتاد می گویم بعد نفر بعدی . نفر بعدی هم اگر چشمش افتاد می گوید و رد می شود. این جوری. اصطلاحا می گویند که ما اصلا دنبال مورد نمی گردیم.(خنده بچه ها)

**سوال: برای نگاه اولی که می افتد، نیاز به دقت است تا مطمئن شویم.**

لازم نیست. اگر مشخص نیست نگویید. ما باید یقین کنیم دیگر.

**سوال: بعضی چیزها در دید مردم منکر نیست. اگر بگوییم می گویند که این آقا مشکل دارد. بعضی چیزها هم هست که منکر بین است.**

مثل همین چیزی که الان شما گفتید منکر بین است دیگر. در طول زمان که ما نگفتیم و نگفتیم و ... از منکر بودن در آمده است. می گویی و رد می شوی. بگو و برو. دستور هم همین است. تجربه آن آقایون [که اجرا کرده اند] می گویند 90 و اندی درصد در پایان خیابان کسی دیگر مشکل ندارد.[یعنی از ابتدای خیابان که چند گروه شروع به تذکر می کنند و به فرد تذکر می دهند در انتهای خیابان دیگر بیش از 90 درصد رفتار خود را اصلاح کرده اند]. خیلی کارهای جنبی انجام خواهد شد اگر این کار معقول باشد و صحیح رفتار بشود.

**سوال: برای ورود به عرصه امر به معروف و نهی از منکر خط قرمزی هم هست. مثلا گفته اند که ملبس نگوید یا کسی که متاهل است فقط بگوید؟**

فقط همان ملبس. ملبس کار خیابانی نگوید. فرمایشی رهبر دارند که گفته اند[[1]](#footnote-1) آنها اداره کنند خودشان وارد نشوند.

**سوال: می گویند که منکر فرع بر آموزش است تا فرد چیزهایی را بفهمد. عده ای اصلا خیال میکنند که حجاب واجب نیست.**

پس باید یقه اش را بگیریم وایسانیم و دو درس برایش بگوییم. نه، شما دو کلمه ات را می گویی و می روی. دو کلمه های بعدی که آمد در این صورت یک چیزی درست می شود. [فرد متوجه می شود که رفتارش مشکل دارد] ما به حداقل اکتفا کرده ایم که مجبوریم و اگر نگوییم می رویم جهنم. اگر آن را بگوییم شما تمام روزت مشغول خواهی بود که حرف بزنی.

**سوال: دو کلمه ای که واجب است چیست؟**

خانم این حجابتون چی است؟ (لحن خاص حاج آقا – خنده بچه ها) همین را می گویید و می روید.

**سوال : بعضی گناهها قبحشون ریخته است، که اگر بگوییم اثر ندارد. مثل جوراب خانم ها که خانم های مذهبی قبول نمی کنند که واجب است.**

اگر یک نفر بگوید تاثیر ندارد. ما محیط را کوچک می گیریم و می رویم بمباران است. این البته کافی نیست. یک دوست جوانی داریم که این گفت که من این را می گویم که خدای متعال بداند که یک نفری بود که بگوید، همه سکوت نکرده بودند. قرآن دارد که « لَوْ لا يَنْهاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَ ....» فعلا این طوری که ما می گوییم که خدای متعال بداند که ما حکم او را بزرگ داشته ایم.

**سوال: یک وقت مبنا کار فردی است و فرد برای خودش برنامه داشته است که نگاه نیفتد و توانسته که عادت بکند که نگاه زائد نداشته باشد. ولی وقتی مبنا برای محل کوچک و کار جمعی است آن وقت نوع دید عوض می شود. دید مثلا این می شود که من باید نگاه کنم که ببینم فرد خاطی در محیط نباشد و محیط را پاک کنیم.**

سر ریز نگاه های ما تمام روز آدم را پر می کند. امروز بنای من این است که نگاه نکنم و تا آخر عمر هم این است. اگر نگاه افتاد می گویم دیگری همین طور ...

**یکی از حضار : گروهی که می روند، نفر جلویی بگوید بقیه هم بگویند.**

این حرف خوبی بود

من جواب شما را عرض کردم، آن اشتباه من یک در ده است بعدی هم این اشتباه یک در ده و ... این بزرگ می شود.

**سوال: در بعضی شبکه های اجتماعی اینترنت(Facebook – google plus - twitter) می توان امر به معروف کرد. خوب است؟**

 حتما حتما، اگر وجه معقولی داشته باشد. ما شدنیها را می گوییم، و مثل قبل هم من قصدم نگاه افتادن نیست. اگر جایی واجب بود و من وارد شدم، آن جا وجه معقولش با وجه معقولی که من در خیابان رد می شوم فرق دارد. باید آنجا را بنشینیم طرح برایش بریزیم که من چیزی نگویم که به دست اشرار و کفار بیفتد و بد را بد کند و امر به معروف من را تبدیل به منکر کند.[عرف محیط مجازی با محیط کف خیابان فرق دارد و بایستی وجه معقولی برای امر به معروف باشد که باعث وهن نگردد]

**سوال: ...**

توی این وضع فجیعی که آن آقایان درست کرده اند یک نفر ثمر ندارد. یک نفر یک چیزی را یک جایی بگوید فایده ندارد می گویند این دیوانه است.

**سوال: ما که هر جا برویم جمع همراهمان نیست.**

باید جوانب را ملاحظه بکنید.

**سوال : بعضی وقتها امتحان کرده ایم که بعضی جاها که با احترام می گوییم بیشتر اثر دارد. البته بعضی جاها با عتاب باید گفته شود.**

قاعدتا اغلب این است که وقتی با عبارت قشنگ و مودب می گویی تاثیر دارد.

**سوال: با چه تیپی باید برویم.**

دوستی داریم دانشگاه تهران می خواست این کارها را بکند و موهای بلندی داشت، گفتم که دست به این موهایت نزن. پدر و مادرش هم مخالف بودند و او می گفت که فلانی گفته است که مویت این جوری باشد. هنوز هم هست!(خنده بچه ها) در حد آن مشکلی ندارد.

**سوال: کار خانم ها چه جور باید باشد؟**

من فکر می کنم که کار آنها موثرتر می تواند باشد. باز با حفظ آن شرائط. در نمایشگاه قرآن. ما دوستانی داریم که آنجا باید باشند کارهایی می کنند شما هم ...

**سوال: امر به معروف و نهی از منکر اگر تاثیر نداشته باشد واجب است که انجام بدهیم؟**

 اگر احتمال تاثیر می دهیم واجب است و اگر هیچ احتمال تاثیر ندهیم در این صورت مستحب است.این کلی بود.

**سوال: در رساله آمده بود که اگر منکری در جامعه معروف بشود در این صورت اگر خطر مالی و جانی هم داشته باشد همه باید بگویند و بر زعمای جامعه هم واجب است که بگویند.**

حرف حساب است. ظاهرا در تحریر است . حرف مهمی بود که ایشون گفتند.

**سوال: در مورد مراتب می توان با نگاه به طرف فهماند؟**

اگر اثر بکند، یعنی چیزی را که می خواهی با زبان بگویی با چشم گفتی و او شنید [می توان]

**سوال : امر به معروف در جایی است که ما هستیم و نا محرم هم هست. مثلا در فروشگاه 10 دقیقه هستیم . که ما و او یک جا هستیم[و محیط بلافاصله ترک نمی شود]اگر چیزی بگوییم او هم چیزی می گوید و ادامه پیدا می کند.**

این جاها را ملاحظه کنید که من توانایی حرف زدن را دارم یا نه. اگر خراب می کنم نه[لازم نیست تذکر بدهم و بعد در بحث کم بیاورم] .

**سوال: برخی خیلی بی حیا شده اند که اگر به ایشان چیزی بگویی توهین و سر و صدا می کنند و خطر جانی هم ممکن است در میان باشد.**

این در جایی است که شما تنها هستی. من گفته ام که اگر گروهی بودند در این صورت یکی که گفت و معترضش شدند در این صورت گروه بعدی می گویند که آقا، خانم راست می گویند. در حال بحث که هستند دو نفر بعدی هم رسیدند...

 ما هم عبور می کنیم و از داد و بیداد فرد رد می شویم. گروه بعدی هم بگویند و اگر تاثیر نداشت و طرف به سر و صدا ادامه داد همه محیط را ترک می کنیم و رد می شویم و می رویم.

**سوال: در مورد تذکر معممین که گفتید تذکر ندهند باز توضیح می دهید؟ قبلا در پارک لاله برنامه اجرا شده است و معممین هم حضور داشته اند و تاثیر داشته است.**

در فرمایشات رهبر هم است. من روی این حرف ایستاده ام. همه باید بکنند در این بحثی نیست. البته شاید در نمایشگاه قرآن تاثیراتی داشته باشد. در یک جایی که جمعی هست که 10 نفر مثلا در این بین 5 نفر گفتند این روحانی هم می گوید. در جایی که تنها نماند شاید اثر داشته باشد. موجب وهن نشود. البته اگر درست انجام نشود در این صورت ممکن است که برای این فرد کینه[نسبت به جایگاه روحانیت] ایجاد شود. اما اگر در جمعی است و این فرد معمم هم مثل دیگران می آید می گوید بد نیست، تجربه ای است در کنار سایر تجربیات. [یک نفر عضو عادی جامعه مثل سایرین تذکر می دهد.] جریان بنا بر این است که جمعی باشد. یک وقت شما می توانی تکی بگویی می گویی. اما یک وقت است که شما هستی و یک خیابان با 10 هزار نفر آدم. البته آنجا هم ممکن است یک نفر خاص و جاهای خاص هم من بتوانم حرفی بزنم. در طول زمان تجربه ها چیزهایی به شما خواهد آموخت که از نظر عقل نظری امروز دیده و فهمیده نشود.

چون جلسه بنا است که سالی یک بار ادامه پیدا بکند- انشاءالله زودتر از اینها هم انجام بشود. در رمضان همبعد از یک مدتی که تجربه نمایشگاه قرآن را پیدا کردید، باز بتوانیم صحبت کنیم. فقط دعا کنید که من نفس داشته باشم.

به آبروی محمد و آل محمد در فرج و ظهور ولیت تعجیل و تسهیل بفرما

بنیان ما را بر رضایت ایشان و سرانجام کار ما را در رضایت ایشان قرار بده. همه چیز ما را مورد پسند خاطر ایشان قرار بده.

ایشان را در این کار و همه کارها از ما دلخوش قرار بده

عواقب همه امور ما را ختم به خیر کن.

آنچه گفتیم و آنچه نگفتیم و بدان محتاجیم به فضل و کرمت به ما عنایت بفرما.

1. . (سال‏1371/ مقام معظم رهبرى در ديدار علما و روحانيان) قشرهاى مختلف، بايد جايگاه خود را در امر به معروف و نهى از منكر، پيدا كنند. هركس جايگاهى دارد. كجا بايد نهى از منكر كنيد؟ شما در مقابل كدام منكر مى‏توانيد مقاومت كنيد و بايستيد؟ كدام را مى‏شناسيد؟ كار، كار مردمى است. البته، علماى دين بايد مردم را هدايت و راهنمايى كنند؛ كيفيّت نهى از منكر را بيان كنند و منكر را براى آن‏ها شرح دهند. [↑](#footnote-ref-1)